



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۲۳



عزیز الله کهگدای

یادداشتهای حافظ نور محمد کهگدای

قسمت ۵۲

حاجی فخرالدین میگفت :

اسم بابای خودی علیه الرحمة « خواجه احمد کابلی » است ولقب جناب شان « بابای خودی » وبابا خودا داد « میباشد . از قدمای اولیا هستند . حضرت خواجه عبدالخالق غجوانی بالای قبرشان چله کشیده بودند احوالشان در کتاب ارشاد السالکین درج است . حاجی مذکور این را نیز میگفت: امیر عبدالرحمن خان روزی که بخانه خاله خود میرفت، در حد مدفن مبارک که رسید از مجاورش پرسید که صاحب این قبر کیست؟ گفت: بابای خودی . امیر فرمود: هنوز هم از خودی نبرآمده است ؟ مجاور خاموش ماند . امیر باز فرمود: لقب او بابا خدایداد است، چون در حالت سک میبودند به بی خودی مشهور شده اند، اسم محضه شان خواجه احمد کابلی است ومن در سمرقند احوال شان را در تذکره ها خوانده ام .

چهار برادر میان شیخ :

شیخ احمد، نورمحمد، شیرمحمد و شاه محمد، هر چهار برادر همدیگر اند ، و اولاده جناب سیدامیر کمال صاحب میباشدند . سه برادر در گنبدیکه بنام میان شیخ احمد مشهور و در بالای جوی دامنه کوه شیردروازه بالای شهرکهنه کابل واقع گذر سنگ کش ها موجود است، مدفن اند و برادر چهارم شان در پهلوی مسجد مبارک حضرت صاحب واقع عشقان و عارفان دفن اند . میان شیخ احمد صاحب از طرف مجدد صاحب خلیفه طریقت بودند و در مکتوبات شریف، مکتوب چندی بنام شان اصدار یافته مسجد کلان و جامع گذر پرانچه ها مشهور به مسجد « میان شیخ احمد » است که در آنجا بسیار سالها می بودند

بابا کیدانی :

این شخصیت متبرک اصلاً از مردم شریف کوهستان است و در زمان امیر شیرعلی خان مرحوم، حیات داشتند و در همین موضع که حالا دفن اند بطرف شرق جاده ارگ بود که حالا در عقب وزارت پلان موجود است قبلاً در همین جا قبرستان بود . بابا کیدانی در آنجا یک باغچه گک مقبول داشت. خودش خشت مالی می کرد و از باعث کثرت تلاوت قرآن کریم چشم های شان شاریده بود. در یکی از روز ها امیر شیرعلی خان بدیدن بابا کیدانی صاحب آمد . بابا او را موقع ملاقات نداده گفت: امیر نزد من چه کار دارد، بهتر است نزد مادر ولیعهد بزود، چون شاغاسی شیردل خان پول فرستادگی امیر را به وی تقدیم کرد، بابا کیدانی به قهر گفت: من پول خیرات کسی را نمی گیرم .

حضرت « وحی » قلندر:

اسم مبارک شان خواجه محمد فضائل یا خواجه محمد فضیل متعارف به « وحی » است و در کابل سکونت داشت بجهت کسب معرفت وارد هند شده چندی به نوکری عالمگیر اشتغال نمود ، بعد از آن ترک علایق کرده شرف مریدی حضرت نو شاه را حاصل نمود. سوزوگداز وجد و شوق بهم رسانیده ، پس از تحصیل شرف خلافت به وطن مراجعت کرد وفاتش را به اقوال صحیح در سال ۱۱۱۲ق اتفاق افتاده است و دربینی حصار کابل مدفون و دارای علامات روشن است . در لوحه بالای قبرشان قطعه ذیل نوشته است :

شد خواجه وحی آن شه دین
آن ختم سخنوران خوشگوی
و ان پیشرو طریق عرفان
شاه عقل ضعیف من شتابان
از عالم جسم سوی جانان
یا پاک ضمیرگفت رضوان
بهر تاریخ سال فوتش
در گوش دلم ز عالم غیب

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

برادر های وحی صاحب ، خواجه عبدالصمد ، خواجه حفیظ الله ولی، خواجه مولانامیر ، خواجه میرک و خواجه پاچا اند و مدفن شان درباغ ده یعقوب واقع شیوه گی است . از این جمله خواجه پاچا صاحب در عصر اعلیحضرت تیموشاه بابا ومیر واعظ صاحب درشعر همطرح هستند. احوال وحی صاحب را درخزینته الاصفا بصورت مشبوع نوشته اند.

بابا نانک درکابل :

بابا نانک در وقت بابرشاه بکابل آمده در آق سرای ریگ روان ، سلطان پوراتراق نموده بود. همراى بابه نانک دایم دونفر میبود که یکی آن مسلمان ودیگرش مذهب هندو داشت ، مسلمانش « مردانه » نام داشت و بابا ازدست وی نان میخورد وهندویش بنام « بالا » یاد میشد که برای بابه نانک رباب می نواخت . سه بابا در راه مشرقی عبارت از قدم جای همین سه نفر می باشد.

جان بازصاحب :

اسم مبارک شان خواجه عبدالله است وایشان نواسه خواجه عبدالله احرار میشوند، گویند وی درسال « وبا » خود راطعمه وبا ساخت و جانبازی کرد تا وبا دفع شد. از آن بعد او را « جانباز بلاگردان » گفتند و بهمین اسم جانباز بلاگردان مشهورشد.

خروتی :

خروتی محمد یوسف نام دارد و وجهه تسمیه آن رابه خروتی چنیت میگویند که کدام وقتی پدرش به وی گفته بود که یوسف جان: نان را بیاور! یوسف « روت » یعنی نان جو را به پدر خود آورده بود. پدرش به باعث غلط فهمی که کرده بود گفت : تو خاصیت « خر » را داری . از آن به بعد به « خروتی » موسوم گشت .

مزار امام یحی :

مزار فیض آثار امام یحی معروف به حضرت امام درسمت شرق رود آمو واقع است . حضرت امام یحی از بنائیر امام تقی « رض » است، عمران روضه مقدسه اش به اراده شهنشاه با معرفت سلطان حسین میرزای بایقرا ی گورگانی با جلال و عظمت بناء و احداث گردیده . « مأخر از مکساء القرون » کذا از زبان سید عبدالسیحان آغا یعنی « میرصاحب قصاب کوچه » شنیده ام که میگفتند در ۲۶ق شهادت امام یحی بن امام زید بن امام زین العابدین ، بن اما حسین « رض » درافغانستان بدست نصرسیار واقع شد اکنون مرقد مبارک شان در سرپل شبرغان بنام امام خوردمشهور است .

درمسجد باغبان باشی :

مسجد باغبان باشی در ابتدای جاده ولایت کابل وچاراهی ملک اصغر واقعت درمسجد مذکور دو قبراست ، یکی قبر موسی خان است که پسرش پهلوان خان ونواسه اش آغامحمد خان وکواسه شان شیرمحمد سنگتراش لایق بود .مسجد باغبان باشی را سابقاً بنام مسجد موسی خان یاد میکردند. وقبردوم آن مدفن فیض احمد نام یکی از مریدان مجنون شاه می باشد. من شیر محمد خان سنگتراش را دیده بودم وبه عمر ۱۰۰سال کمابیش بود او در زمره سنگتراشان ارگ شاهی کارمیکرد وبسیار منحنی، فرتوت وذهیرشده بود . شیرمحمد خان مرحوم ازغازیان جنگ دوم افغان وانگلیس بود و درآن وقت تحت رایت جنرال محمد جان خان وردک در کردنه علی آباد کابل با انگلیس غزا کرده بود.

بابا کلان صاحب : بابه کلان صاحب از مردمان با نفوذ وردک بود وزیارتش دربالا جوی از حد سنگ کشها و زیارت میان شیخ احمد صاحب گذشته ، واقع است . او پیر دوست محمد بچه حاضر خان بود ، میزرا میر مؤذن مسجد پل خشتی هم نزد او دستگیر بود اما بابا کلان صاحب، تدریس وتلقین نه میکرد .

پایان